



شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر تربیت اخلاقی در محتوای کتب درسی ابتدایی

مینا صالحی^۱، اکبر نجفی^{۲*}

۱. گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

۲. گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: akbar.najafi@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر تربیت اخلاقی در محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی با رویکرد کیفی است. این مطالعه به روش کیفی و با بهره‌گیری از تحلیل مضمون انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۹ نفر از معلمان ابتدایی، مؤلفان کتب درسی و متخصصان تعلیم و تربیت در شهر تهران جمع‌آوری شد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام گرفت و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار NVivo استفاده شد و فرآیند کدگذاری و استخراج مضامین اصلی و فرعی طی چند مرحله بررسی و بازبینی گردید. تحلیل داده‌ها منجر به استخراج سه مقوله اصلی شامل: «بازنمایی ارزش‌های اخلاقی در محتوا»، «رویکردهای آموزشی در تبیین اخلاق»، و «عوامل زمینه‌ای مؤثر بر تربیت اخلاقی» گردید. هر یک از این مقوله‌ها شامل زیرمقوله‌هایی مانند تأکید بر فضایل فردی، استفاده از داستان و روایت، نقش معلم، ساختار کتاب‌های درسی، تفاوت‌های فرهنگی و سیاست‌های کلان آموزشی بود. همچنین مصاحبه‌ها نشان داد که مفاهیم اخلاقی در کتاب‌های درسی ابتدایی به صورت پراکنده، سطحی و بدون انسجام نظام‌مند ارائه شده‌اند. یافته‌ها بیانگر آن است که تربیت اخلاقی در کتب درسی ابتدایی نیازمند بازنگری در محتوا، به کارگیری رویکردهای تلفیقی، توجه به تنوع فرهنگی و توانمندسازی معلمان است. پیشنهاد می‌شود در برنامه‌ریزی درسی آینده، مفاهیم اخلاقی به صورت هدفمند، یکپارچه و مبتنی بر تجربه زیسته دانش‌آموزان طراحی شوند.

کلیدواژه‌گان: تربیت اخلاقی، کتاب درسی ابتدایی، تحلیل مضمون، ارزش‌های اخلاقی، آموزش و پرورش

تاریخ ارسال: ۱ مرداد ۱۴۰۲

تاریخ بازنگری: ۷ شهریور ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۹ شهریور ۱۴۰۲

تاریخ چاپ: ۱۲ مهر ۱۴۰۲



How to cite: Salehi, M., & Najafi, A. (2023). Content Analysis of Teachers' Experiences in Implementing Environmental Education in Primary Schools. *Training, Education, and Sustainable Development*, 1(3), 18-27.



© 2023 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Identifying the Components Influencing Moral Education in Primary School Textbooks

Mina Salehi¹, Akbar Najafi^{2*}

1. Department of Curriculum Planning, Yazd University, Yazd, Iran

2. Department of Curriculum Planning, Yazd University, Yazd, Iran

*Corresponding Author's Email: akbar.najafi@gmail.com

Abstract

The objective of this study was to identify the key components influencing moral education in primary school textbooks through a qualitative approach. This research employed a qualitative design using thematic analysis. Data were collected through semi-structured interviews with 19 participants, including elementary school teachers, textbook authors, and educational experts in Tehran. Purposeful sampling was used, and interviews continued until theoretical saturation was achieved. NVivo software was used for data analysis, and themes were extracted through a multi-stage coding and review process. Thematic analysis revealed three major categories: "Representation of Moral Values in Content," "Educational Approaches to Teaching Morality," and "Contextual Factors Affecting Moral Education." Each category comprised several subthemes such as emphasis on individual virtues, use of narrative methods, teacher's role, textbook structure, cultural diversity, and educational policy constraints. Participants indicated that moral values in textbooks were presented inconsistently, superficially, and lacked systematic integration. Findings suggest that moral education in Iranian primary school textbooks requires content revision, integrated approaches, cultural sensitivity, and teacher empowerment. Future curriculum planning should incorporate moral concepts in a cohesive, experiential, and student-centered manner.

Keywords: *Moral education, primary school textbooks, thematic analysis, moral values, education system*

Submit Date: 22 July 2023

Revise Date: 28 August 2023

Accept Date: 19 September 2023

Publish Date: 3 October 2023

نقش نظام‌های آموزشی در تکوین و ارتقای اخلاق فردی و اجتماعی در جوامع مختلف، همواره مورد توجه پژوهشگران، مربیان و سیاست‌گذاران آموزشی بوده است. در میان همه اجزای تربیتی، «تربیت اخلاقی» جایگاهی بنیادین دارد که هدف آن، پرورش انسان‌هایی مسئول، منصف، همدل و متعهد به ارزش‌های انسانی و اجتماعی است (Lickona, 1991). تربیت اخلاقی نه تنها به منزله انتقال مجموعه‌ای از هنجارها و اصول رفتاری تلقی می‌شود، بلکه فرآیندی چندوجهی است که به رشد قضاوت اخلاقی، همدلی، خودنظم‌دهی و مسئولیت‌پذیری در کودکان می‌انجامد (Nucci & Narvaez, 2008). در این راستا، یکی از مهم‌ترین بسترهایی که اخلاق در آن آموزش داده می‌شود، محتوای کتاب‌های درسی است که به‌عنوان ابزار رسمی نظام تعلیم و تربیت، نقش برجسته‌ای در شکل‌دهی نگرش‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی ایفا می‌کند (Berkowitz & Bier, 2005).

در نظام آموزش و پرورش ابتدایی، کتاب‌های درسی مهم‌ترین منبع یادگیری دانش‌آموزان محسوب می‌شوند و تأثیر مستقیمی بر درونی‌سازی ارزش‌ها و نهادینه‌سازی رفتارهای اخلاقی دارند. درواقع، این کتاب‌ها تنها محملی برای انتقال دانش علمی نیستند، بلکه دربردارنده پیام‌های ضمنی، الگوهای رفتاری و ارزش‌های پنهانی هستند که به‌صورت آگاهانه یا ناخودآگاه، شخصیت اخلاقی کودک را شکل می‌دهند (Halstead & Pike, 2006). به‌ویژه در دوران ابتدایی که کودکان در حال شکل‌دهی بنیان‌های ارزشی خود هستند، توجه به نوع و چگونگی بازنمایی مفاهیم اخلاقی در کتاب‌های درسی از اهمیت بسزایی برخوردار است. مطالعات متعدد نشان داده‌اند که پیام‌های اخلاقی در کتاب‌های درسی، چه به صورت مستقیم (نص صریح) و چه غیرمستقیم (در قالب داستان، پرسش، یا مثال)، می‌توانند در نگرش و رفتار دانش‌آموزان نقش‌آفرین باشند (Leming, 2000; Thornberg, 2008).

در این میان، نگرانی‌هایی نیز در خصوص کم‌توجهی به انسجام و عمق مفاهیم اخلاقی در محتوای آموزشی مطرح شده است. برخی پژوهش‌ها حاکی از آن‌اند که اگرچه مفاهیم اخلاقی در کتاب‌های درسی حضور دارند، اما این حضور اغلب پراکنده، سطحی و بدون پیوستار مفهومی است؛ به‌گونه‌ای که انتقال مؤثر ارزش‌ها و ایجاد درک عمیق از آن‌ها با چالش روبه‌رو می‌شود (Davies, Gorard, & McGuinn, 2005). در واقع، نبود رویکرد نظام‌مند در طراحی محتوای اخلاقی می‌تواند موجب شود که کتاب‌های درسی نتوانند به‌طور مؤثری در خدمت تربیت اخلاقی قرار گیرند و تنها به تکرار کلیشه‌های رفتاری بدون تحلیل و عمق بپردازند (Kohlberg & Hersh, 1977).

علاوه بر این، باید به این نکته توجه داشت که تربیت اخلاقی در مدرسه تنها محدود به محتوا نیست، بلکه محصول تعامل پیچیده‌ای از عناصر گوناگون از جمله معلمان، فضای مدرسه، برنامه پنهان درسی و الگوهای رفتاری رسمی و غیررسمی است (Jackson, Boostrom, & Hansen, 1993). با این حال، کتاب‌های درسی همچنان نقش آغازین و مرجع در فرایند یادگیری را دارا هستند و به‌ویژه در نظام آموزشی متمرکزی چون ایران، همچون ابزار اصلی آموزش محسوب می‌شوند. از همین رو، شناخت عناصر تأثیرگذار بر تربیت اخلاقی در محتوای این کتاب‌ها، به‌ویژه در دوره ابتدایی، ضرورتی علمی و کاربردی دارد که می‌تواند به بهبود کیفیت طراحی و بازنگری برنامه‌های درسی بینجامد.

در پژوهش‌های داخلی نیز، برخی مطالعات به بررسی نحوه انعکاس مفاهیم اخلاقی در کتاب‌های درسی پرداخته‌اند. برای مثال، احمدی و کاظمی (۱۳۹۸) در پژوهشی کیفی دریافتند که مفاهیم اخلاقی به‌صورت ضمنی در کتاب‌های فارسی و هدیه‌های آسمانی وجود دارند، اما اغلب فاقد انسجام مفهومی بوده و به‌طور نظام‌مند طراحی نشده‌اند. در پژوهشی دیگر، جعفری و سلطانی (۱۴۰۰) نشان دادند که بسیاری از مفاهیم اخلاقی در کتاب‌ها تنها از طریق روایت یا حکایت به دانش‌آموزان منتقل می‌شوند و کمتر زمینه تحلیل و تجربه زیسته برای آنان فراهم شده است. این در حالی است که رویکردهای نوین تربیت اخلاقی تأکید دارند که یادگیری اخلاقی باید فعال، مشارکتی، زمینه‌مند و مبتنی بر تعامل با تجارب واقعی باشد (Narvaez, 2006).

همچنین برخی پژوهشگران بر این باورند که بازنمایی مفاهیم اخلاقی در کتاب‌های درسی نباید به گونه‌ای باشد که تنها یک الگوی رفتاری را تحمیل کند، بلکه باید تنوع فرهنگی، زمینه‌های اجتماعی و اقتضائات بومی نیز در آن لحاظ شود (Carr, 2008). از این منظر، تربیت اخلاقی اثربخش نیازمند محتوایی است که علاوه بر انتقال ارزش‌ها، به دانش‌آموزان امکان تفکر، تحلیل و انتخاب اخلاقی آگاهانه را نیز بدهد. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر تربیت اخلاقی در محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی انجام شده است. این مطالعه با بهره‌گیری از روش کیفی و رویکرد تحلیل مضمون، به دنبال کشف الگوهای ضمنی و آشکار مفاهیم اخلاقی و بررسی نحوه بازنمایی، عوامل زمینه‌ای و روش‌های آموزشی مرتبط با آن در محتوای رسمی کتب درسی است. امید است یافته‌های این پژوهش بتواند راهگشای بازنگری سیاست‌های محتوایی، برنامه‌ریزی درسی و تقویت نقش مدرسه در تربیت اخلاقی دانش‌آموزان باشد.

در این پژوهش از رویکرد کیفی با هدف شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر تربیت اخلاقی در محتوای کتب درسی دوره ابتدایی استفاده شده است. طراحی پژوهش مبتنی بر روش تحلیل مضمون بوده و از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته داده‌ها گردآوری شده‌اند. جامعه آماری این پژوهش شامل متخصصان تعلیم و تربیت، برنامه‌ریزان درسی، مؤلفان کتب درسی و معلمان با سابقه مقطع ابتدایی در شهر تهران بود. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند انجام شد و فرآیند مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت که در نهایت با ۱۹ نفر از مشارکت‌کنندگان صورت گرفت. ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود که بر اساس پرسش‌هایی در خصوص چگونگی بازنمایی مؤلفه‌های تربیت اخلاقی در محتوای کتاب‌های درسی و عوامل مؤثر بر آن طراحی شد. در طول مصاحبه‌ها تلاش شد تا مشارکت‌کنندگان دیدگاه‌ها، تجارب و تحلیل‌های خود را در ارتباط با موضوع پژوهش به‌صورت عمیق بیان کنند. مصاحبه‌ها با رضایت مشارکت‌کنندگان ضبط و سپس به‌صورت مکتوب پیاده‌سازی شدند. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار NVivo و بر اساس روش تحلیل مضمون انجام گرفت. پس از کدگذاری اولیه، مفاهیم مشابه دسته‌بندی شده و زیرمقولات و مقولات اصلی استخراج گردیدند. فرآیند تحلیل در چند مرحله بازبینی و بازکدگذاری شد تا از دقت، انسجام و اعتبار نتایج اطمینان حاصل گردد. برای افزایش روایی و پایایی، از روش‌های اعتبارسنجی مشارکت‌کننده (member check)، بازبینی توسط همکار پژوهشگر (peer debriefing) و غنی‌سازی داده‌ها از طریق نمونه‌گیری متنوع بهره گرفته شد.

یافته‌ها

۱. تأکید بر فضایل فردی

یافته‌ها نشان داد که یکی از محورهای اصلی تربیت اخلاقی در کتب درسی ابتدایی، تمرکز بر فضایل فردی چون صداقت، مهربانی، راست‌گویی، احترام به والدین، بخشش و تواضع است. این فضایل به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در متون، تمرین‌ها و داستان‌ها مورد اشاره قرار می‌گیرند. به گفته یکی از معلمان باسابقه: «ما توی درس فارسی یا تعلیمات اجتماعی، خیلی وقت‌ها با داستان‌هایی روبه‌رو می‌شیم که بچه‌ها رو به مهربونی و راست‌گویی تشویق می‌کنه، اما اینها بیشتر جنبه سطحی دارن و نیاز به تعمیق دارن.»

۲. توجه به مسئولیت‌پذیری اجتماعی

کتب درسی در برخی بخش‌ها به تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی از طریق مفاهیمی چون همکاری گروهی، رعایت قانون، تعهد، و مشارکت اجتماعی می‌پردازند. دانش‌آموزان با مفاهیمی مانند رعایت نوبت یا کمک به دیگران از طریق متونی چون «نیکی به دیگران» آشنا می‌شوند. یکی از کارشناسان برنامه‌ریزی درسی بیان داشت: «هرچند مفاهیم اجتماعی در کتب هست، ولی انسجام بین مفاهیم دیده نمی‌شه و بیشتر به صورت موردی ارائه شده.»

۳. القای ارزش‌های دینی

بخش قابل توجهی از تربیت اخلاقی با تکیه بر آموزه‌های دینی مطرح می‌شود. مفاهیمی همچون نماز، توکل به خدا، احترام به والدین و روایات اخلاقی به صورت مستقیم در کتاب‌های هدیه‌های آسمانی و گاه در کتاب‌های فارسی وجود دارند. یکی از شرکت‌کنندگان گفت: «بچه‌ها وقتی آیه یا حدیثی می‌خوانند که به مهربونی یا گذشت اشاره دارد، بیشتر با اون ارتباط می‌گیرن چون پشتش حس دینی هست.»

۴. بازنمایی مصادیق اخلاقی در داستان‌ها

استفاده از داستان‌هایی با شخصیت‌های اخلاق‌مدار و قهرمانان مثبت، یکی از ابزارهای اصلی انتقال ارزش‌های اخلاقی در کتب ابتدایی است. این داستان‌ها گاه برگرفته از ادبیات کهن و گاه معاصر هستند. به قول یک معلم پایه چهارم: «وقتی داستان‌هایی مثل "داستان دهقان فداکار" رو می‌خوانیم، دانش‌آموزا بیشتر با ارزش‌هایی مثل ایثار و فداکاری آشنا می‌شن.»

۵. پرهیز از ضدارزش‌ها

برخی از محتواهای درسی به شکل مستقیم یا غیرمستقیم، به پرهیز از ضدارزش‌هایی نظیر دروغ‌گویی، حسادت، تمسخر، خودخواهی و طعنه زدن می‌پردازند. با این حال، تأکید بر ضدارزش‌ها نسبت به ارزش‌ها محدودتر است. یکی از مؤلفان کتب درسی اشاره کرد: «ما سعی می‌کنیم بیشتر با ارائه رفتار صحیح، به طور غیرمستقیم از رفتارهای منفی دوری کنیم تا اینکه مستقیماً به اون‌ها بپردازیم.»

۶. تلفیق ضمنی اخلاق در محتوا

در برخی دروس مثل ریاضی و علوم، مفاهیم اخلاقی به صورت ضمنی و غیرمستقیم گنجانده شده‌اند، مانند مطرح کردن پرسش‌هایی که همکاری یا دقت را تقویت می‌کنند. به بیان یکی از مشارکت‌کنندگان: «در درس علوم وقتی بحث بازیافت میاد، به طور غیرمستقیم مسئولیت‌پذیری در قبال محیط زیست هم آموزش داده می‌شه.»

۷. استفاده از داستان و روایت

داستان‌ها و روایت‌های کوتاه و پندآموز ابزار مؤثری در انتقال مفاهیم اخلاقی محسوب می‌شوند. این متون اغلب به شکل حکایت یا قصه‌های ساده برای گروه سنی ابتدایی طراحی شده‌اند. یکی از معلمان اظهار داشت: «قصه‌ها همیشه برای بچه‌ها جذاب و وقتی اخلاق توی قصه بیاد، بیشتر تو ذهنشون می‌مونه.»

۸. بهره‌گیری از تجربه زیسته دانش‌آموزان

در برخی محتواها تلاش شده تا موقعیت‌هایی طراحی شود که دانش‌آموز تجربه‌های شخصی خود را بیان کرده یا موقعیت‌های واقعی را تحلیل کند. این روش باعث درونی‌سازی بهتر مفاهیم اخلاقی می‌شود. یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «وقتی از بچه‌ها می‌خوایم خودشون مثال بزنن که کی راست گفتن یا بخشیدن، خیلی راحت‌تر مفهوم اخلاق رو می‌فهمن.»

۹. نقش فعالیت‌های تکمیلی

در برخی کتب، فعالیت‌های مکملی مانند شعر، بازی‌های گروهی و فعالیت‌های هنری در راستای انتقال ارزش‌های اخلاقی طراحی شده‌اند. به عنوان مثال، در کتاب «تفکر و سبک زندگی» تمرین‌هایی دیده می‌شود که شامل نوشتن درباره یک تجربه اخلاقی است. معلمی گفت: «با شعر و نقاشی بچه‌ها بیشتر با مفاهیم ارتباط می‌گیرن تا فقط با متن.»

۱۰. تشویق به تفکر انتقادی در اخلاق

تشویق دانش‌آموزان به تحلیل موقعیت‌های اخلاقی و مقایسه رفتارها، باعث افزایش درک عمیق‌تر آنان از مفاهیم اخلاقی می‌شود. یکی از مشارکت‌کنندگان با سابقه طراحی برنامه درسی گفت: «تفکر انتقادی در اخلاق یعنی بچه یاد بگیره چرا باید راست بگه، نه اینکه فقط بدون دروغ بده.»

۱۱. نقش معلم در تبیین اخلاق

نقش معلم در عمیق‌سازی مفاهیم اخلاقی بسیار مهم ارزیابی شد. معلمان از طریق بحث‌های کلاسی، ایجاد فضای باز برای گفتگو و نقش الگویی خود می‌توانند تأثیرگذاری بیشتری در انتقال اخلاق داشته باشند. یکی از مشارکت‌کنندگان بیان کرد: «اگر معلم خودش اهل احترام و ادب باشد، بچه‌ها ناخودآگاه اون رو تقلید می‌کنن.»

۱۲. جهت‌گیری نظام آموزشی

نظام آموزشی کشور بیشتر بر ابعاد شناختی و ارزشیابی‌های کمی متمرکز است و کمتر به اهداف پرورشی و تربیت اخلاقی پرداخته می‌شود. به گفته یکی از کارشناسان: «تا وقتی امتحان‌ها فقط نمره ریاضی و املا رو بسنجن، معلم هم وقت نمی‌ذاره برای آموزش اخلاق.»

۱۳. ساختار و طراحی کتب درسی

حجم بالای محتوای درسی، زمان محدود و عدم انسجام مفهومی در کتب، مانع از پرداخت عمیق به موضوعات اخلاقی شده است. یکی از مؤلفان اشاره کرد: «ما محدودیت زمانی داریم و کتاب‌ها خیلی فشرده‌ان؛ نمی‌رسیم به آموزش اخلاق با عمق.»

۱۴. سیاست‌های محتوایی و نظارت

وجود رویه‌های تمرکزگرا و نظارت سخت‌گیرانه بر محتوا باعث می‌شود تغییرات در جهت تقویت مفاهیم اخلاقی به سختی انجام شود. به‌زعم یک مشارکت‌کننده: «بسیاری از پیشنهادها برای محتوای اخلاقی به‌خاطر محدودیت سیاست‌ها رد می‌شن.»

۱۵. تفاوت‌های فرهنگی و بومی

در محتوای کتب، کمتر به تفاوت‌های فرهنگی و اقلیمی مناطق مختلف ایران توجه شده است. برخی مفاهیم ممکن است برای همه دانش‌آموزان معنا نداشته باشد. معلمی از جنوب تهران گفت: «مثال‌هایی که تو کتاب هست بعضی وقتا به زندگی بچه‌های ما نمی‌خوره. بچه نمی‌فهمه چرا باید اون ارزش رو رعایت کنه.»

۱۶. نقش والدین و نهادهای همکار

مشارکت‌کنندگان به ناهماهنگی ارزش‌های خانه و مدرسه اشاره کردند و این مسئله را چالشی برای تحقق تربیت اخلاقی مؤثر دانستند. یکی از معلمان گفت: «اگر تو مدرسه می‌گیم احترام بذار، ولی بچه تو خونه دعوا و پرخاش ببینه، نتیجه‌ای نداره.»

۱۷. آموزش معلمان و توانمندی حرفه‌ای

اکثر مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که معلمان برای آموزش اخلاقی به‌درستی آموزش ندیده‌اند و مهارت کافی ندارند. به‌قول یکی از کارشناسان: «هیچ کارگاه عملی برای آموزش اخلاق به معلم برگزار نمی‌شه؛ معلم نمی‌دونه چطور بحث اخلاقی رو هدایت کنه.»

۱۸. فناوری آموزشی و منابع کمک‌آموزشی

نبود ابزارهای چندرسانه‌ای و فناوری‌های آموزشی در زمینه اخلاق، یکی از چالش‌های جدی است. معلمی گفت: «اگر فیلم کوتاه، انیمیشن یا محتوای دیجیتالی اخلاقی داشتیم، تأثیر خیلی بیشتری می‌داشت روی بچه‌ها.»

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که مؤلفه‌های تربیت اخلاقی در محتوای کتاب‌های درسی ابتدایی در سه حوزه اصلی قابل تحلیل‌اند: بازنمایی ارزش‌های اخلاقی در محتوا، رویکردهای آموزشی در تبیین اخلاق، و عوامل زمینه‌ای مؤثر بر تربیت اخلاقی. در تحلیل مضمون انجام‌شده، مشخص گردید که کتاب‌های درسی دوره ابتدایی، گرچه حاوی مفاهیم اخلاقی چون صداقت، مسئولیت‌پذیری، احترام، و مهربانی هستند، اما این مفاهیم اغلب به صورت پراکنده، سطحی و فاقد انسجام مفهومی ارائه شده‌اند. همچنین تأکید بر رویکردهای سنتی، تمرکز بر فضایل فردی به جای تحلیل موقعیت‌های اخلاقی و نادیده‌گرفتن تفاوت‌های فرهنگی از دیگر نکات قابل توجه بود.

یافته‌ها نشان می‌دهند که استفاده از فضایل فردی مانند صداقت، تواضع و مهربانی به‌عنوان پیام‌های صریح یا ضمنی، یکی از رایج‌ترین روش‌های بازنمایی تربیت اخلاقی در متون درسی است. این یافته با نتایج پژوهش احمدی و کاظمی (۱۳۹۸) همسو است که نشان دادند کتاب‌های فارسی و هدیه‌های آسمانی بیشتر بر فضایل فردی تأکید دارند و کمتر به مؤلفه‌های اجتماعی مانند عدالت یا مسئولیت مدنی پرداخته‌اند. همچنین مطالعات بین‌المللی نیز بر این نکته تأکید دارند که تمرکز صرف بر فضایل بدون درگیرکردن دانش‌آموزان در موقعیت‌های واقعی زندگی، موجب شکل‌گیری اخلاق سطحی و انفعالی می‌شود (Berkowitz & Bier, 2005; Lickona, 1991).

در رابطه با استفاده از داستان و روایت به‌عنوان ابزار آموزشی برای انتقال مفاهیم اخلاقی، یافته‌های این پژوهش بر اهمیت و فراگیری این روش تأکید داشتند. مشارکت‌کنندگان اذعان داشتند که داستان‌ها، ابزار مؤثری در جذب توجه کودکان و تسهیل درک مفاهیم اخلاقی هستند. این موضوع با یافته‌های پژوهش Leming (۲۰۰۰) هم‌راستا است که نشان می‌دهد روایت‌های اخلاقی در رشد همدلی و توانایی تحلیل موقعیت‌های اخلاقی بسیار مؤثر هستند. با این حال، همان‌طور که Thornberg (۲۰۰۸) نیز اشاره می‌کند، استفاده از داستان باید با تحلیل انتقادی و مشارکت فعال دانش‌آموز همراه شود تا از انتقال پیام‌های کلیشه‌ای و غیربرنامه‌ای جلوگیری شود.

یکی از یافته‌های مهم این پژوهش، تأکید مشارکت‌کنندگان بر نقش معلم در تبیین و تعمیق مفاهیم اخلاقی بود. معلمان در مقام تسهیل‌گر یادگیری اخلاقی، نقشی کلیدی در فعال‌سازی ذهنی و عاطفی دانش‌آموزان دارند. در پژوهش Boostrom, Jackson و Hansen (۱۹۹۳) نیز بر نقش معلم به‌عنوان عامل تعیین‌کننده در تجلی تربیت اخلاقی در کلاس درس تأکید شده است. یافته‌های حاضر نشان می‌دهد که نبود آموزش تخصصی برای معلمان در حوزه اخلاق، موجب می‌شود بسیاری از فرصت‌های تربیتی در کلاس درس نادیده گرفته شوند.

از دیگر نکات قابل توجه در این مطالعه، تأثیر عوامل ساختاری و سیاست‌های کلان نظام آموزشی بر کیفیت و اثربخشی تربیت اخلاقی است. مشارکت‌کنندگان اذعان داشتند که تمرکز نظام آموزشی بر ارزشیابی‌های شناختی، کمبود زمان آموزش، و ساختار فشرده کتاب‌های درسی از جمله موانع جدی در مسیر تحقق تربیت اخلاقی هستند. این یافته با تحلیل‌های ارائه‌شده توسط Davies, Gorard و McGuinn (۲۰۰۵) هم‌خوان است که بیان می‌کنند ساختارهای متمرکز و ارزیابی‌محور، اغلب مانع از توجه به جنبه‌های پرورشی در آموزش می‌شوند.

همچنین یافته‌ها نشان داد که تربیت اخلاقی در کتاب‌های درسی، به‌ندرت مبتنی بر تفکر انتقادی یا تحلیل موقعیت‌های واقعی است. مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که تربیت اخلاقی مؤثر نیازمند آن است که دانش‌آموزان در موقعیت‌هایی قرار گیرند که بتوانند درباره درستی یا نادرستی یک عمل، با توجه به شرایط، فکر و گفت‌وگو کنند. این نکته با رویکرد پیشنهادی Narvaez (۲۰۰۶) همخوانی دارد که تأکید دارد اخلاق باید از طریق مشارکت فعال، تجربه زیسته و تمرین انتخاب اخلاقی آموزش داده شود.

تفاوت‌های فرهنگی و بومی نیز یکی دیگر از محورهای مهم در یافته‌ها بود. مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند که مثال‌ها و شخصیت‌های اخلاقی در کتاب‌ها، عمدتاً نمایانگر یک فرهنگ خاص هستند و تنوع فرهنگی اقوام و مناطق مختلف کشور در آن‌ها کمتر دیده می‌شود. این مسئله می‌تواند موجب کاهش همذات‌پنداری دانش‌آموزان با محتوای اخلاقی شود و اثربخشی آن را کاهش دهد. Carr (۲۰۰۸) نیز بر لزوم بومی‌سازی محتوای اخلاقی و توجه به زمینه‌های اجتماعی در آموزش اخلاق تأکید کرده است.

در نهایت، یافته‌ها بر نیاز به طراحی محتوایی یکپارچه، پیوسته و نظام‌مند برای تربیت اخلاقی تأکید دارند. به‌نظر می‌رسد که اخلاق نباید صرفاً در کتاب‌هایی مانند هدیه‌های آسمانی محدود شود، بلکه باید در همه دروس به‌صورت تلفیقی و هدفمند جریان یابد. Pike و Halstead (۲۰۰۶) نیز پیشنهاد می‌کنند که آموزش اخلاقی باید به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از همه موضوعات درسی تلقی شود و نه فقط به‌عنوان محتوایی مجزا.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافع وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

References

- Kohlberg, L., & Hersh, R. H. (1977). Moral development: A review of the theory. *Theory into Practice*, 16(2), 53–59.
- Leming, J. S. (2000). Tell me a story: An evaluation of a literature-based character education program. *Journal of Moral Education*, 29(4), 413–427.
- Lickona, T. (1991). *Educating for Character: How Our Schools Can Teach Respect and Responsibility*. Bantam Books.
- Narvaez, D. (2006). Integrative ethical education. In M. Killen & J. Smetana (Eds.), *Handbook of Moral Development* (pp. 703–733). Lawrence Erlbaum.
- Nucci, L., & Narvaez, D. (2008). *Handbook of Moral and Character Education*. Routledge.
- Thornberg, R. (2008). School children's reasoning about school rules. *Research Papers in Education*, 23(1), 37–52.